

چگونه ملتی را به کمک و صدقه محتاج می کند

امیره هس، روزنامه نگار اسرائیلی

از روزنامه ها آرتز، اول مارس ۲۰۰۶

نویسنده در این مقاله نشان می دهد که اسرائیل چگونه درآمدهای ناچیز فلسطینی ها را بی شرمانه می دزدد و چگونه همدستی جنایتکارانه اتحادیه اروپا و ایالات متحده او را در این امر یاری می دهد.

متن را میشل گیس از عبری به فرانسه ترجمه کرده و ما آن را از روی سایت اورو فلسطین گرفته ایم:

www.europalestine.com

متن انگلیسی را روی سایت هاآرتز می توان یافت:

www.haaretz.com/hasen/pages/688642.html

* * * * *

این فلسطینی ها نیستند که باید از تصمیم اتحادیه اروپا برای پرداخت سریع ۱۲۰ میلیون دلار دیگر به آنان ممنون باشند، آنهم پیش از آن که حکومت فلسطین به رهبری حماس تشکیل شود؛ بلکه این اسرائیل است که باید خوشحال باشد که کشورهای غربی به جبران خساراتی ادامه می دهند که اقتصاد روز به روز بدتر شونده فلسطین در نتیجه اشغالگری اسرائیل بدان دچار است. زیرا آنچه باعث شده که فلسطینی ها نیازمند صدقه جهانیان باشند نه فاجعه های طبیعی، بلکه پیامد فرآیند مستعمره کردن فلسطین به دست اسرائیل است که مدام شدت بیشتری می گیرد. یکی از وجوه این فرآیند دست اندازی به زمین های فلسطین است (چه "خصوصی" و چه عمومی که فرقی با هم ندارند) و نیز گسترش خانه سازی ها صرفاً برای یهودیان، و الحاق عملی بخش های وسیعی از سرزمین های فلسطینی به اسرائیل، به طوری که ساحل غربی برای فلسطینی ها به محدوده های بسته و محصور تبدیل شده است.

وجه دیگری از این مستعمره کردن فلسطین اعمال محدودیت های شدیدی است که اسرائیل برای نقل و انتقال و تحرک فلسطینی ها از این محدوده به محدوده دیگر چه در داخل ساحل غربی و چه از آنجا به غزه، بر آنان تحمیل می کند.

کمکی که اروپا قولش را داده و بخشی از آن برای پرداخت حقوق کارکنان بخش دولتی فلسطینی ست به ما نشان می دهد که اروپا حتی برای اینکه اسرائیل را از غارت آشکار عایدات عوارض گمرکی فلسطین - یعنی ۵۰ تا ۶۵ میلیون دلار در ماه - ممانعت کند با دشواری رو برو ست. این امر همچنین به ما نشان می دهد که اروپا به خوبی می داند که ایالات متحده، برخلاف فشارهایی که در آغاز انتفاضه بر اسرائیل وارد آورد تا عایدات گمرکی فلسطینی ها را بلوکه نکند؛ این بار برای بازگرداندن این پول چپاول شده هیچ فشاری بر آن وارد نمی آورد. این پول در واقع، در بنادر و دروازه های گمرکی اسرائیل اما از نقل و انتقالات اموال متعلق به بخش خصوصی فلسطین اخذ می شود. این پول متعلق به

فلسطین است و بر طبق تمام مقررات اداری عادی، ممنوع است که این پول ها به جای آنکه به وزارت بهداری و آموزش و پرورش فلسطین منتقل شود بهره به خزانه اسرائیل سرازیر کند. این پول تقریباً دو سوم دریافتی هایی است که توسط فعالیت اقتصادی فلسطینی حاصل می شود. یک سوم یعنی حدود ۳۵ میلیون دلار در ماه کل عوارضی است که مستقیماً از فعالیت اقتصادی در ساحل غربی و نوار غزه عاید می گردد.

اگر اقدامات اسرائیل علیه اقتصاد فلسطین و علیه امکانات توسعه آن وجود نداشت این مبلغ می توانست بسیار بیشتر باشد و کمک و صدقه هایی را که به بودجه جاری فلسطین پرداخت می شود به امری زائد و بیهوده بدل سازد. این اقدامات اسرائیل چیز تازه ای نیست که به افتخار دولت حماس برقرار شده باشد. اسرائیل کشاورزی فلسطین را ویران کرده و همچنان به تخریب آن ادامه می دهد از جمله نابودی دو مزرعه بزرگ ملی تولید سبزیجات در شرق و غرب ساحل غربی از طریق تقسیم و الحاق دوفاکتوی دره رود اردن. اسرائیل همچنین تخریب زمین ها، جلوگیری از ورود دهقانان به زمین و باغهاشان، ممانعت از انتقال محصولات کشاورزی به بازار، صدمه به سرچشمه ها و منابع آب دهها هزار کشاورز را که به کار خود افتخار می کنند به روز سیاه نشانده و سهم آنان را در تأمین درآمد ملی به چیزی اندک تقلیل داده است.

در دوره پیش از انتفاضه کنونی، اسرائیل به امیدهایی که به توسعه صنعتی فلسطین وجود داشت صدمات شدیدی وارد آورد زیرا آن را به تدریج به سمت "مناطق صنعتی" که چسبیده به اسرائیل است کشاند. از آنجا که بخش عمده ساحل غربی (یعنی ۶۰ درصد سرزمین هایی که طبق قرارداد اسلو بخش C نامیده می شود و هدف اسرائیل از آن گسترش کولونی ها بود) در کنترل خود او است - و کنترل یعنی اعمال نهایت محدودیت -، اسرائیل اجازه ساختمان، طرح های توسعه فلسطین، امکان انتقال مراکز صنعتی به خارج از محله های مسکونی و نیز مدرن سازی صنایع را در دست خود گرفت. روش دیگر مبتنی بود بر محدودیت انتقال از یک منطقه به منطقه دیگر، محدودیتی که از ۱۹۹۱ اعمال شده ولی طی پنج سال گذشته بسیار تشدید گردیده، وضع را به وخامت بیشتری انداخته است. لازم نیست آدم اقتصاددان باشد تا بفهمد که تولید، استخدام کارگر، به بازار رساندن فرآورده ها و فروش آنها دیگر صرف نمی کند زیرا حمل و نقل مواد اولیه یا کالا با کامیون به جای یک ساعت ۸ ساعت طول می کشد.

روش دیگر که در تخریب امکانات بالقوه فلسطین به کار رفته این است که اسرائیل راه دستیابی به مؤسسات آموزش عالی را به روی جوانان فلسطینی سد می کند. اسرائیل اجازه نمی دهد که اهالی غزه یا بیت المقدس برای تحصیل به ساحل غربی که مؤسسات آموزشی بهتری دارد بروند. مسدود کردن راه ها و ایجاد مناطق بسته ای که خروج از آنها بدون اجازه رسمی ممکن نیست، دانشجویان ساحل غربی را مجبور می کند که در نزدیکی دانشگاه سکونت کنند حتی برای کسانی که فاصله خانه شان تا دانشگاه بیش از ۲۰ کیلومتر نیست. این امر مخارجی اضافی به همراه دارد که بسیاری از خانواده ها نمی توانند تحمل کنند. علاوه بر این، کم شدن منابع درآمد دانشگاه ها سطح علمی و حرفه ای آنها را پایین می آورد.

کم نیستند اقتصاددانانی که می توانند رابطه بین روش های اسرائیل برای کنترل فلسطینی ها را با انحطاط اقتصادی فلسطین نشان دهند. تحقیقات فراوان نشان می دهد که بین محدودیت های شدیدی که اسرائیل بر آمد و رفت ها مقرر کرده از یک طرف، و بدل شدن خلق فلسطین به ملتی که نیازمند کمک خارجی است رابطه ای مستقیم وجود دارد و نباید انتظار داشته باشیم که با این وضع،

اقدامات به منظور ارسال کمک از هر نوع به آنان رو به کاستی رود.

به این دلیل است که فلسطینی ها به جای خوشحالی باید از آنچه وزرای خارجهء اتحادیهء اروپا پریروز اعلام کردند نگران باشند، زیرا این تصمیم نشان می دهد که دول اروپایی همچنان از اعمال هرگونه فشار سیاسی به اسرائیل به منظور آنکه سیاست استعمار فلسطین را متوقف کند خودداری می ورزند، سیاستی که به نحوی روشمند در امکانات بالقوهء اقتصادی فلسطینی ها را خرابکاری می کنند. دول اروپایی با دادن پول بر عجز سیاسی خود و نیز بر تصمیم خویش دائر بر عدم درگیری با ایالات متحده که از سیاست اسرائیل جانبداری می کند سرپوش گذاشته و همچنان سرپوش می گذارند. با استقرار حکومتی به ریاست حماس بهانه و فرمول های دیگری پیدا خواهد شد تا فلسطینی ها را در توری امنیتی از کمک و صدقه در اسارت نگاه دارند. حکومت اسرائیل سروصدا راه می اندازد که "چرا به حماس کمک می شود" ولی در باطن از آن بسیار شادمان است.

(ترجمهء تراب حق شناس - ۵ آوریل ۲۰۰۶)

* * * * *

منتشر شده در دفتر هجدهم نگاه، ماه مه ۲۰۰۶

<http://www.negah1.com>